به نام خدا

گزارشی کوتاه درباره
تعطیل طبی و طبیعی مساجد در تاریخ اسلام

مهدی فردوسی مشهدی[۱]

پس از شیوع ویروس کرونا، بیش‌تر دولت‌های کشورهای مسلمان‌نشین به‌رغم اختلاف‌های سیاسی‌شان، دست‌کم در دوره اوج همه‌گیری این ویروس، در زمینه تعطیل شدن اماکن مذهبی و محل‌های اجتماع مسلمانان به‌ویژه مساجد و معابد، متفق بودند و متفقند. تعطیلی این مکان‌ها به‌ویژه تعطیلی مسجد الحرام که قبله مسلمانان را در بردارد و انتشار تصویر خالی از جمعیت آن، به واکنش عاطفی برخی از مسلمانان می‌انجامد و موجب می‌شود که چنین تصمیمی را مخدوش و نامشروع بیانگارند یا حضور افراد را در این مکان‌ها، بی‌خطر بخوانند و توجیهاتی در این‌باره عرضه کنند.

در این یادداشت کوتاه به ترتیب تاریخی، دَه گزارش کوتاه تاریخی درباره پیشینه تعطیلی مساجد بر اثر حوادث طبی به‌ویژه فراگیری برخی از بیماری‌های همه‌گیر و دیگر حوادث طبیعی ارائه می گردد. این گزارش‌ها برجسته‌ترین نمونه‌ها در هزار سال نخست تاریخ اسلام در این زمینه‌اند و نشان می‌دهند که تعطیلی مراکز اجتماع عبادی به‌ویژه مساجد به‌رغم تکرار آن در درازنای تاریخ مسلمانان، از رونق بازار مسلمانی نکاسته است و نخواهد کاست.

۱. سال ۱۸ هجری

مسلمانان اواخر دهه دوم هجری به فتح اورشلیم و سرزمین‌های مجاور فلسطین در قلمرو امپراطوری روم شرقی سرگرم بودند که بیماری طاعون در آن حوزه همه‌گیر شد. خاستگاه این بیماری روستای کوچکی به نام «عمواس»[۲] میان رمله و بیت المقدس بود و از این روی، به طاعون عمواس شهرت یافت. به گفته برخی از مورخان، ۲۵۰۰۰ مسلمان بر اثر این بیماری کشته شدند. شماری از مسلمانان نام‌دار آن دوران همچون ابوعبیده جراح[۳]، معاذ بن‌جبل[۴]، یزید بن‌ابی‌سفیان[۵]برادر معاویهٔ بن‌ابی‌سفیان و سهیل بن‌عمرو[۶]بر اثر همین طاعون جان باختند.[۷]

---

۱. دکتری دین‌پژوهی/ mahdi.ferdowsi@gmail.com

۲. این روستا نزدیک رودخانه یالو و جنوب شرق رمله در مسیر رام‌الله، الرمله، یافا، اورشلیم و غزه در فاصله سی‌کیلومتری اورشلیم (قدس) است.

۳. ۴۰ قبل از هجرت تا ۱۸ هجری.

۴. ۱۸ قبل از هجرت تا ۱۸ هجری.

۵. متوفای ۱۸ هجری.

۶. متوفای ۱۸ هجری.

۷. محمد بن‌جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۶۰-۶۵.

پس از مرگ هر یک از سرداران لشکر مسلمانان، سرانجام عمرو بن‌العاص[1] فرمانده آنان شد و در این‌باره چنین گفت: ای مردم! اگر این بیماری گسترش یابد، همچون آتش [ما] را خواهد سوخت؛ پس به کوه‌ها پناه ببرید! بنابراین، لشکریان بر قله کوه‌ها و کف دره‌ها جای گرفتند.[2] شاید عمرو بن‌العاص نخستین کسی از مسلمانان باشد که به «فاصله‌گذاری اجتماعی» یا به تعبیر عرب‌ها، «تباعد جماعی» یا همان «واگرایی جمعی» و فاصله فیزیکی فرمان داده باشد. این عزل و انزوای اجتماعی یا به تعبیر امروز، قرنطینه برای مقابله با آن بیماری فراگیر و همه‌گیر، مانع برپایی نماز جمعه و جماعت و جمع شدن در مساجد بود.

۲. سال ۲۰۸ هجری

بسیاری از حوادث طبیعی در قلمروهای مسلمان‌نشین موجب تعطیل مساجد به‌ویژه مسجد الحرام شده‌اند. یکی از نمونه‌های برجسته در این زمینه، جاری شدن سیل در مکه در دوره خلافت عبدالله بن‌هارون معروف به مأمون عباسی[3] است. به گفته برخی از مورخان، سیل عظیمی در این سال جاری شد که سدهای پیرامون مکه را در هم شکست و مسجد الحرام را در خود فروبرد و کعبه را فراگرفت و تا زیر حجر الاسود بالا آمد و حتی مقام ابراهیم را پوشاند و میزان فراوانی گِل و لای در صحن مسجد بر جای گذاشت و مردمان بسیاری را در خود غرق کرد.[4] در آن روزها نیز طواف و نماز در صحن مسجد تعطیل شد تا اینکه برخی از حاجیان خراسانی به کمک اهل مکه مسجد را پاک‌سازی و دوباره برای اقامه نماز آماده کردند.

۳. سال ۳۹۵ هجری

قحطی گسترده‌ای در این سال شمال آفریقا را فراگرفت و هم‌زمان وبا و طاعون نیز به‌ویژه در تونس گسترش یافت؛ چنان‌که سرمایه توان‌گران از دست رفت، ناتوانان از میان رفتند، چارپایان مردند، کالاها گران و اقلام اساسی نایاب شد. بسیاری از روستاییان مهاجرت کردند، خانه‌ها خالی شد و هر کسی در آن سرزمین به علاج کردن یا عیادت بیماران یا تشییع و تدفین قربانیان سرگرم بود. قربانیان را در حفره‌ها به خاک می‌سپردند. گاهی صد نفر یا بیش از صد نفر در یک حفره دفن می‌شدند. بسیاری از مردم از طبقات گوناگون عالمان و تاجران و زنان و کودکان بر اثر این بیماری جان باختند که آمارشان را جز خالق آنان کسی نمی‌داند. مسجدهای قیروان از نمازگزاران تهی گشت و مردم به دست خود درها و سقف‌های خانه‌هایشان را می‌سوزاندند. حتی گفته می‌شد که برخی از روستاییان یک‌دیگر را می‌خورند.[5]

---

۱. ۴۷ قبل از هجرت تا ۴۳ هجری.

۲. همان، ص ۶۲.

۳. ۱۷۰ ـ ۲۱۸ هجری.

۴. محمد بن‌عبدالله ازرقی، ***اخبار مکة و ما جاء فیها من الآثار***، تحقیق عبدالملک بن‌عبدالله بن‌دهیش، ص ۷۶۲.

۵. احمد بن‌محمد بن‌عذاری مراکشی، ***البیان المغرب فی اختصار اخبار ملوک اندلس و المغرب***، تحقیق بشار عواد معروف و محمد بشار عواد، ج ۱، ص ۲۸۰.

۴. سال ۴۴۸ هجری

قحطی شدیدی در این سال در مصر پدید آمد که توصیف‌ناپذیر است. هم‌زمان وبا نیز در این سرزمین فراگیر شد. گفته‌اند سه دزد در این روزگار به خانه‌ای نقب زدند و بامدادان آن سه را مرده از خانه بیرون کشیدند: یکی در ورودی دهلیز؛ دومی میانه آن و سومی در خانه. وبا در این سال به اندلس هم راه یافت و از آن‌جا نیز قربانی گرفت و مساجد را تعطیل کرد؛ چنان‌که هیچ کس بدان‌جا نمی‌رفت که نماز بگزارد. این سال را سال «جوع کبیر» نامیدند.[۱]

۵. سال ۷۴۹ هجری

گزارش‌های انتشار وبا در همه سرزمین‌های مصر در این سال از گوشه و کنار درمی‌سید. بسیاری از مردم قاهره و مصر بر اثر این بیماری جان باختند ... چنان‌که در شعبان آن سال هر روز دویست نفر بر اثر این مرض فراگیر، می‌مردند.[۲] این بیماری جهان‌گیر بود؛ چنان‌که شرق و غرب زمین را فراگرفت و بنابراین، به مکه مشرفه نیز راه یافت و مردمان بی‌شماری در مصر و شام و دیگر سرزمین‌های مسلمان‌نشین بر اثر این بیماری جان باختند.[۳] این بیماری از پاییز ۷۴۸ قمری آغاز شد و هنوز محرم ۷۴۹ نرسیده بود که همه مصر را فراگرفت و تا شعبان و رمضان همان سال در سراسر مصر منتشر شد. ده‌هزار تا پانزده و بیست هزار نفر بر اثر این بیماری روزانه جان می‌باخت. مردم یک‌سره تابوت جایگاه‌هایی برای تغسیل رایگان اموات می‌ساختند. بیش‌تر قربانیان را بر تخته و نردبان‌ها و پاره‌های در چوبی می‌بردند و در حفره‌ای می‌انداختند؛ حتی گاهی در یک حفره، سی یا چهل قربانی را دفن می‌کردند. این بیماری چنان فراگیر و جهانی شد که حتی ماهیان دریا و پرندگان هوا و درندگان صحرا از آسیبش بر کنار نماندند ... راه‌ها پر شده بود از مردگان؛ حتی مساجد و مسافرخانه‌ها از قربانیان پر بود و کسی نبود که آنها را دفن کند تا چه رسد که بدان‌جا برود. هیچ مؤذنی نماند، بلکه مردگان را به مسجد جامع می‌کشاندند و سگ‌ها از لاشه آنان می‌خوردند.[۴]

۶. سال ۸۱۹ هجری

برخی از مورخان حکایت لطیفی را درباره قرنطینه خانگی یا «حجر منزلی» یکی از فقهای قاهره اوائل سده نهم هجری آورده‌اند: «محمد بن‌عمر بن‌ابراهیم ابی‌جرادهٔ عقَیلی حنبلی در قاهره ساکن بود ... هنگامی که طاعون در سال ۸۱۹ در آن سرزمین فراگیر شد، او بسیار می‌ترسید که به آن مبتلا شود. بنابراین، از انواع دواها و دعاها بهره می‌جست تا از این مرض مأمون باشد و [به‌رغم دیگران که به محکمه و مسجد آمد و شد می‌کردند]، او تمارض کرد و در خانه ماند تا مبادا چشمش به جنازه‌ای بیافتد یا ناچار شود برای ادای نماز بر جنازه‌ای حاضر شود و از قضا، از این بیماری جان سالم به در برد، اما به قولنج گرفتار آمد. بنابراین، نزد دو

---

۱. محمد بن‌احمد بن‌عثمان ذهبی، ***تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام***، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ۳۰، ص ۲۵.

۲. احمد بن‌علی عبیدی مقریزی، ***السلوک لمعرفهٔ دول الملوک***، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ۴، ص ۷۸.

۳. یوسف بن‌تغری بردی اتابکی، ***النجوم الزاهرهٔ فی ملوک مصر و القاهره***، ج ۱۰، ص ۲۳۳.

۴. احمد بن‌علی عبیدی مقریزی، ***السلوک لمعرفهٔ دول الملوک***، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ۴، ص ۸۴-۸۵.

تن از علما وصیت کرد که البته آن دو زودتر از وی مردند و او نیز سرانجام بر اثر بیماری یاد شده جان باخت.[1]

۷. سال ۸۲۷ هجری

وبایی فراگیر اوائل این سال پیدا شد که هر روز جان چهل نفر را می‌گرفت؛ چنان‌که تا ربیع الاول ۸۲۷ شمار قربانیان این بیماری به ۱۷۰۰ رسید. امام جماعت مسجد الحرام در این روزها فقط دو مأموم داشت و دیگر ائمه جماعت این مسجد، بر اثر نداشتن مأموم بی‌کار شدند.[2]

۸. سال ۸۳۳ هجری

طاعون در بخش‌های شماری قاره آفریقا اواخر این سال فراگیر شد؛ چنان‌که پنجهزار تن از ساکنان بخش‌های ساحلی بر اثر این بیماری جان باختند. فقط در اسکندریه هر روز ۱۵۰ نفر بر اثر این طاعون می‌مرد و عجیب است که این بیماری در زمستان به این ترتیب فراگیر شد. پیش از این هم در سرزمین‌های غربی (روم) شدت یافته بود و هر روز بیش از هزار قربانی می‌گرفت. بنابراین، مردم به روزه‌داری و توبه و رفتن به سوی صحرا دعوت می‌شدند. یکی از قاضیان شافعی مردم را به زاری در درگاه خداوند فراخواند، اما این کار مؤثر نبود، بلکه بیماری و عدد قربانیان فزونی گرفت ...؛ چنان‌که بر ۵۰۵ مرده مسلمان در هر روز نماز می‌خواندند ... البته مرده‌کِش‌ها و مرده‌شوی‌ها بسیار کم‌یاب شده بودند و از سوی دیگر، کفن‌دزدها فزونی گرفته بودند و نمازخانه‌ها از لاشه قربانیان پر شده بود.[3]

۹. سال ۹۰۰ هجری

طاعون در این سال در حلب فراگیر شد و مردم از ترس این بیماری و مرگ به سبب آن، به بوستان‌ها گریختند و در خانه‌ها می‌ماندند.[4]

۱۰. سال ۹۸۳ هجری

سیلی عظیم در این سال مسجد الحرام را فراگرفت و آب تا زیر قفل در کعبه بالا آمد؛ چنان‌که نماز و جماعت تا هفت روز یا هفت نوبت تعطیل شد.[5]

با توجه به نمونه‌های پیش‌گفته و صدها نمونه دیگر از این دست که در این مجال تنگ نمی‌گنجند، شایسته است مؤمنان از واکنش عاطفی درباره خلوت شدن مراکز عبادی و اماکن برگزاری مناسک دینی و مذهبی بپرهیزند، بلکه با توجه به سیره عقلایی مسلمانان در درازنای تاریخ، و توصیه همه ارکان سیاسی و بهداشتی

---

۱. حافظ بن‌حجر عسقلانی، ***انباء الغُمر بانباء العُمر***، تحقیق حسن حبشی، ج ۳، ص ۱۱۸.

۲. همان، ص ۳۲۶.

۳. همان، ص ۴۳۷-۴۳۸.

۴. محمد بن‌ابراهیم حلبی / ابن حنبلی، ***در الحبب فی تاریخ اعیان الحلب***، تحقیق محمد احمد فاخوری، ج ۲، ص ۹۹.

۵. محمد بن‌احمد بن‌سالم مالکی مکی / صباغ، ***تحصیل المرام فی اخبار البیت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولاتها الفخام***، تحقیق عبدالملک بن‌عبدالله بن‌دهیش، ص ۸۷۷.

کشور از مقام معظم رهبری تا پزشکان و پرستاران خدوم حوزه سلامت به پیروی از نظر متخصصان و التزام به تصمیم ستاد مبارزه با کرونا[1] به ضوابط حفظ سلامت خود و دیگران پای‌بند باشند و بدانند که با این پرهیز عقلانی، رونق مسلمانی کاستی نخواهد گرفت.

مصطفی را وعده کرد الطاف حق — گر بمیری تو نمیرد این سبق
رونقت را روز روز افزون کنم — نام تو بر زر و بر نقره زنم
من مناره پر کنم آفاق را — کور گردانم دو چشم عاق را
چاکرانت شهرها گیرند و جاه — دین تو گیرد ز ماهی تا به ماه
تا قیامت باقی‌اش داریم ما — ترس از نسخ دین ای مصطفی

دفتر مطالعات، پژوهش ها و ارتباطات حوزوی

مرکز رسیدگی رسیدگی به امور مساجد

[1]. بیانات در سخن‌رانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان، ۱۳۹۹/۵/۱۰.